

## کرامت انسانی به عنوان مبنای حقوق فرد مظنون در نظام

### حقوق جزای افغانستان و ایران



نگارنده: پوهنمل دکترا کر حسین رضایی\*

#### چکیده

کرامت انسانی در قلمرو حقوق کیفری از جای گاه ویژه‌یی برخوردار است؛ زیرا کرامت انسانی بسیاری از حقوق انسانی را اساس‌گذاری می‌کند. امروزه تعریف دقیق و چپستی آن مشخص نیست. ذاتی و قراردادی بودن کرامت انسانی جای بحث دارد. حقوق افغانستان و ایران معیارهای متفاوتی را برای فرد مظنون تعریف کرده است. تبیین چپستی کرامت انسانی و رفع نواقص قوانین جزایی هر دو کشور اسلامی، استفاده از مزیت‌های قوانین یک‌دیگر و کاربردی‌سازی قوانین کیفری هر دو کشور از جمله اهمیت اساسی این پژوهش بوده است. اهداف اساسی این پژوهش این بوده است که به این پرسش‌ها پاسخ بگوید: تعریف واژه مینا در برابر اصل، منبع و قاعده چپستی؟ تعریف مشخص کرامت انسانی چپستی؟ کرامت انسانی از جمله حقوق ذاتی است یا قراردادی؟ انواع کرامت انسانی کدام‌هایند؟ روش تحقیق، تحلیلی - مقایسه‌وی بوده و از طریق فیش‌برداری، اطلاعات جمع‌آوری گردیده است. دامنه این پژوهش را تعریف، دسته‌بندی و حقوق ناشی از کرامت انسانی برای فرد مظنون در حقوق افغانستان و ایران، تشکیل داده است. یافته‌های این تحقیق بیان‌گر این هستند: ملاصدرا، کرامت انسانی را یک حق طبیعی می‌داند. علما دسته‌بندی‌های متفاوتی از کرامت انسانی ارائه کرده اند. حقوق ایران و افغانستان اصل را بر کرامت انسانی نهاده و حقوق ناشی از آن را تا حدودی در قوانین شکلی کیفری خود رعایت نموده و ضمانت اجرای مدنی و کیفری را برای ناقضان آن مقرر کرده است.

**واژه‌گان کلیدی:** مظنون، کرامت، کرامت انسانی، حقوق ناشی از کرامت انسانی،

حقوق جزای افغانستان و ایران.

## Study of Human Greatness as the Basis of the Suspect's Rights in the Criminal Law System of Afghanistan and Iran

Author: Zaker Hussain Rezaiee<sup>1\*</sup>

### Abstract

One of the most significant issues in the field of criminal law is human greatness. Because human greatness forms the basis of many human rights, the exact definition and its nature are not clear. The natural and conventional nature of the greatness needs to be discussed. The issue of the acquired greatness and inherent dignity of this world is not clear. The rights due to human greatness for the suspect are expressed differently in the criminal law of Afghanistan and Iran as the two Islamic countries. The basic necessity of this research is to use the advantages of the criminal system of one country to solve the problems of the criminal laws of another one, and the other advantage of human greatness is having a practical aspect. That is, although the concept and nature of human dignity is a theoretical issue, the rights arising from it have a practical aspect. The basic goal of this research is to provide the definition of the concepts: base, human greatness, explaining the nature of human greatness and specifying its categories, and to know the rights arising from human greatness for the suspect in the laws of Afghanistan and Iran. The basic issues in this research are the definition, nature, and types of human greatness. The questions: what is the definition of the word base against principle, source and rule? Is it possible to give a specific definition of human greatness today? Is human dignity among the rights inherent or contractual? Greatness is divided into which categories? What are the types of human greatness? Do the acquired greatness and the inherent greatness of the world include the category of greatness? The findings of this research using the library and descriptive-analytical method are as following; Kant and Mulla Sadra considered human greatness as a natural right and not a contractual right. Scholars have categorized greatness under the headings of inherent greatness, acquired greatness, acquired greatness of that world and inherent greatness of this world. The laws of Iran and Afghanistan have placed the principle on human greatness and accepted the resulting rights incompletely in their criminal laws and provided civil and criminal enforcement guarantees for those who violate them.

**Keywords:** Suspect, greatness, human greatness, rights arising from human greatness inherent greatness and criminal law of Afghanistan and Iran.

<sup>1\*</sup> Department of Private Law and Criminal Law, Faculty of Law and Political Science, Balkh University, Balkh, Afghanistan (zaker\_rezaiee@alumni.ut.ac.ir and zaker\_rezaiee@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم در محدوده حقوق، فلسفه و عرفان، کرامت انسانی است؛ چرا که کرامت انسانی پایه و اساس بسیاری از حقوق، امتیازات و تکالیف انسانی می‌باشد؛ بدین معنا که انسان به واسطه انسانیت دارای این حقوق می‌باشد و قابل سلب، حتی از ناحیه خودش نمی‌باشد و برای به دست آوردن آن‌ها، بشر قرن‌ها تلاش کرده تا توانسته قوانینی وضع نماید، که این گونه حقوق وی از ناحیه قدرت‌ها پای‌مال نشود؛ بنابراین، کرامت انسانی مبنای‌ترین قاعده‌ی است که حقوق انسانی مبتنی بر آن قابل تحلیل است و پذیرش عملی آن منتج به غیرقابل سلب نمودن بخش عمده‌ی از حقوق و آزادی‌های شهروندی می‌گردد. حقوق و آزادی‌های فردی بر کرامت انسانی استوار است. کرامت انسانی صرفاً از آن جهت به انسان تعلق می‌گیرد که انسان است، زمان و مکان و هیچ قید دیگری را بر نمی‌تابد. در صورت بی‌توجهی به این اصل و عدم التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح در روابط داخلی و بین‌المللی، مفهوم خود را از دست خواهد داد و در این صورت شاهد جهانی پُر از ظلم، بی‌عدالتی، بی‌مهری، خشونت، جنگ، تجاوز و تبعیض خواهیم بود.

اسناد بین‌المللی، منطقه‌ی و قوانین داخلی بیش‌تر کشورها، تاحدود زیادی برخی حقوق بشری افراد مظنون را با تکیه بر کرامت انسانی به رسمیت شناخته‌اند؛ بنابراین، پرداختن به این که آیا نظام حقوق جزای افغانستان و ایران از این مهم حمایت کرده است یا خیر، و این که بدانیم هر دو نظام حقوقی، حقوق ناشی از کرامت انسانی را برای فرد مظنون به طور دقیق تبیین و شناسایی کرده است یا خیر، از جمله ضرورت‌های تحقیق تلقی می‌گردد.

هرچند در خصوص کرامت انسانی به‌عنوان مبنای حقوق فرد مظنون در قوانین ایران نوشته‌های متعددی موجود است، اما تا جایی که نگارنده سعی کرده است، در حقوق افغانستان در این زمینه تحقیقی صورت نگرفته است.

مهم‌ترین اهداف این پژوهش؛ تبیین چیستی مفهوم و ماهیت کرامت انسانی، تعریف فرد مظنون، انواع کرامت انسانی و حقوق ناشی از کرامت انسانی برای فرد مظنون در حقوق افغانستان و ایران است.

پرسش‌های این تحقیق عبارت‌اند از: مفهوم و ماهیت کرامت انسانی چیست؟ فرد مظنون در فرایند دادرسی کیفری به کدام شخص اطلاق می‌گردد؟ کرامت انسانی به کدام دسته‌ها تقسیم گردیده است؟ حقوق ناشی از کرامت انسانی برای فردی که در مرحله تحت‌نظر قرار دارد کدام‌هایند؟ نظام حقوق جزایی افغانستان و ایران با توجه به اصل کرامت انسانی، حقوق فرد مظنون را به صورت کامل به رسمیت شناخته است؟ آیا شناسایی کرامت انسانی و اعلام مصادیق آن از سوی یک دولت

به تنهایی برای حمایت از آن کافی است یا علاوه بر شناسایی، جرم‌انگاری رفتار ناقض آن نیز یکی از شیوه‌های حمایت مؤثر تلقی می‌گردد؟

روش این تحقیق مقایسه‌وی - تحلیلی است و از طریق فیش‌برداری، اطلاعات جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

تبیین چستی مفهوم و ماهیت کرامت انسانی، دسته‌بندی کرامت انسانی و حقوق ناشی از کرامت انسانی برای فرد مظنون در حقوق افغانستان و ایران محدوده این پژوهش را تشکیل می‌دهند. یافته‌های این تحقیق بر می‌گردد به این که یکی از حقوق اساسی و بنیادین افراد مظنون در هنگام رسیده‌گی به مراجع عدلی و قضائی حقوق دفاعی آنان می‌باشد. نظام حقوقی افغانستان و ایران، کرامت انسانی را پایه و مبنای بسیاری از حقوق افراد مظنون تلقی کرده است. تحقیق حاضر در قدم نخست به مفهوم و انواع کرامت انسانی پرداخته و سپس، حقوق ناشی از کرامت انسانی را برای فرد مظنون در نظام حقوق جزای افغانستان و ایران مورد بحث و بررسی قرار داده است.

## ۲. مفهوم و انواع کرامت انسانی

در این قسمت مفهوم و انواع کرامت انسانی را مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

### ۲-۱. مفهوم

در قاموس قرآن عظیم، کرامت به معنای بزرگواری و شرافت، بخشنده‌گی، سخاوت، ارزش‌مندبودن، عزیزبودن و مانند آن آمده است (خالقی و رشنودی، ۱۳۹۲: ۷۳). حال آن که کرامت از لحاظ لغوی دارای معانی متفاوتی‌اند؛ اما اساسی‌ترین آن‌ها به زبان فارسی عبارت‌اند از ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جای‌گاه، منزلت، نزهت از فرومایه‌گی و پستی (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۴۶)؛ پاک‌بودن از آلوده‌گی‌ها، احسان و بخشش، جوان‌مردی و سخاوت (دهخدا، ۱۳۷۳: ۶۰۷۰)؛ اما در فرهنگ حقوق بشر کرامت به معنای بزرگی، بزرگی‌ورزیدن، بزرگواری، بخشنده‌گی، سخاوت و جوان‌مردی، دانسته شده است (آقایی، ۱۳۷۶: ۳۹)؛ حال آن که واژه کرامت در زبان انگلیسی<sup>۲</sup> به معنای «شرافت، حیثیت، افتخار و استحقاق احترام (the oxford encyclopedia, 1996: 398)، بزرگواری، عزت، ارزش واقعی و رتبه و درجه (short oxford english dictionary, 2002: 679) استعمال گردیده است؛ اما در زبان عربی کرم به معنای کسی یا چیزی است که دارنده انواع مظاهر خیر و شرف و فضائل باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴:

<sup>2</sup>. Dignity.

۵۱۰). کریم به معنای دربردارنده همه انواع خیر، نیکی، شرف و فضیلت‌ها می‌باشد و کرامت به معنای نفیس و عزیز شدن است (ابن‌المری، ۱۴۰۵: ۲۹).

قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی در تعریف کرامت انسانی سکوت اختیار کرده است؛ اما برخی از حقوق‌دانان، استادان، فلاسفه و اندیش‌مندان، در تعریف کرامت انسانی به دو دسته تقسیم می‌گردند. طوری که برخی از آن‌ها بدون آن که کرامت انسانی را دسته‌بندی نمایند، آن را منحصر به کرامت ذاتی نموده و این‌گونه تعریف می‌کنند: کرامت انسانی، کرامت، حیثیت و شرافتی است که انسان به جهت نوع خلقت و آفرینش خود از آن برخوردار است و ارزشی است که تمام انسان‌ها به‌طور فطری و یک‌سان از آن بهره‌مند هستند (قربانی و موحدی، ۱۳۹۰: ۱۷)؛ طور مثال اگر به دیدگاه کانت و ملاصدرا راجع به تعریف کرامت انسانی نظر شود، چنین به نظر می‌رسد که این دو فیلسوف بدون تمرکز روی دسته‌های کرامت از کرامت انسانی، چنین تعریفی را ارائه نموده‌اند: «کرامت انسان حق طبیعی و ذاتی، نه حقوقی و قراردادی انسان است و چیزی نیست که گرفته شود یا به او داده شود، یا آن را کسب کنند» (به‌نقل از: محمدپور دهکردی، ۱۳۹۱: ۱۹)؛ همین‌طور، هردو اندیش‌مند، دغدغه انسانی و ارزش‌های انسانی دارند؛ بدین معنا که شأن انسان در دیدگاه ملاصدرا همواره ارتباط با شأن الهی او معنا پیدا کرده است و کانت نیز شأن انسانی انسان را، شأن طبیعی او نمی‌داند؛ بل که آن را فراتر و وسیع‌تر از ابعاد جهان طبیعی تعریف می‌کند (همان: ۲۴۴)؛ بنابراین، حقیقت هر کجا باشد و با هر زبانی بیان شود، ارزش‌مند است؛ ولی مقایسه اندیشه‌های هردو دانش‌مند کار دشوار و از مجال این بحث خارج است؛ درحالی که برخی‌ها به شرح ذیل سعی کرده‌اند، کرامت انسانی را نخست، دسته‌بندی و بعد هر کدام را تعریف نمایند.

## ۲-۲. انواع کرامت

در خصوص انواع کرامت دو دسته‌بندی قابل ذکر است: برخی کرامت را باتوجه به این که برخاسته از ذات آدمی باشد یا نباشد به دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی نام‌گذاری کرده‌اند؛ ولی عده‌ی دیگر، کرامت را باتوجه به ابعاد و جوانب آن به کرامت ذاتی این‌جهانی و کرامت اکتسابی آن‌جهانی، نام‌گذاری و دسته‌بندی نموده است؛ بنابراین، کرامت انسانی به دو دسته قابل تقسیم‌اند؛ اما در خصوص نام‌گذاری آن، دو دیدگاه وجود دارد:

### ۲-۲-۱. کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی

دلیل و مبنای این دسته‌بندی به نامۀ حضرت علی (رض) به مالک اشتر بر می‌گردد؛ طوری که ایشان می‌فرمایند: «مردم بر دو صنف‌اند: یا با تو در دین برادرند یا در انسانیت برابر اند» (به‌نقل از: علی نقی،

۱۳۷۰: ۵۳؛ بنابراین، برابری در انسانیت، مشعر کرامت ذاتی و برادری در دین مبین کرامت اکتسابی است.

کرامت ذاتی؛ آن نوع شرافت و حیثیتی است که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی، توانایی تعقل و تفکر و وجههٔ نفخهٔ الهی که دارند؛ به‌طور فطری و یک‌سان از آن برخوردار هستند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۰)؛ یعنی این همان کرامتی است که آفریده‌گار جهان می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا / ما آدمیزاده‌گان را گرامی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم (اسراء: ۷۰).

کرامت اکتسابی؛ آن نوع شرافت و حیثیتی است، که انسان‌ها به‌صورت ارادی و از طریق به‌کارانداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد و کمال و کسب فضائل اخلاقی، آن را به‌دست می‌آورد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۰۱)؛ به‌عبارت دیگر، کرامت ارزشی یا اکتسابی از به‌کارانداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۷۹)؛ بنابراین، هرچند که همه‌گان از کرامت یکسانی برخوردارند، اما انسان قادر است با استفاده از استعداد خود، مراحل کمال انسانیت را طی کند و به درجات عالی ارتقا یابد. این‌گونه رفتار انسان‌ها، کرامت‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند و در نتیجه افراد بر یک‌دیگر برتری می‌یابند.

## ۲-۲-۲. کرامت ذاتی این جهانی و کرامت اکتسابی آن جهانی

دلیل و مبنای این دسته‌بندی از کرامت انسانی شاید جملهٔ معروف حضرت امام حسین<sup>(ع)</sup> باشد که به سپاهیان عمر بن سعد در روز عاشورا فرموده‌اند: «اگر دینی ندارید و از معاد نمی‌ترسید، حداقل در دنیا آزادمرد باشید و شرف انسانی خود را حفظ کنید» (به‌نقل از: نجمی، ۱۳۹۳: ۳۲۰)؛ یعنی اگر کرامت اکتسابی و ارزشی انسانی را درک نموده‌اید، حداقل به اصول کرامت ذاتی پای‌بند باشید. در ذیل مفهوم هر کدام از این دسته‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

### الف. کرامت ذاتی این جهانی

عبارت از کرامتی است که خداوند به نوع انسان<sup>۳</sup> عطا فرموده و جزء ماهیت انسانی است و تا زمانی که انسان زنده است، این کرامت از او جدا ناشدنی است (علی‌خانی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). خصوصیات

۳. یعنی این کرامت فارغ از مذهب، نژاد، رنگ پوست، جنس و غیره، به نوع انسان به‌طور برابر تعلق دارد. قرآن کریم در آیات متعدد از این نوع کرامت یاد کرده است. نکه: سوره اسراء، آیه ۷۰، سوره حجر، آیه ۲۹، سوره بقره، آیه ۳۰ و ۳۱، سوره مائده، آیه ۳۲.

این دسته از کرامت در این است که کیفیت و چه‌گونه‌گی آن در همه افراد بشر ثابت است؛ چرا که این نوع کرامت به نوع انسان تعلق دارد.

### ب. کرامت اکتسابی آن جهانی

کرامتی است که انسان در این دنیا به‌دست می‌آورد و به همان میزان موجب برتری معنایی او بر سایر مردم می‌شود (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). هرچند کسب این کرامت در این جهان صورت می‌گیرد، ولی ظهور آن جهانی دارد و این برتری پس از مرگ انسان عیان می‌شود؛ چرا که غیر از الله متعال، هیچ فردی نمی‌تواند آن را طور صحیح تشخیص دهد یا بسنجد (الریشه‌ری، ۱۴۲۱: ۱۰۱). این نوع کرامت اساساً شاخص سنجش قابل درک این جهانی ندارد و قرآن مجید نیز می‌فرماید: «این نوع کرامت و برتری آن فقط در نزد خداست».<sup>۴</sup> اطاعت از اوامر خداوند و کسب تقوا موجب تعالی برای انسان می‌شود، که فقط الله متعال می‌تواند آن را درک کند و نتیجه آن جهانی دارند، خارج شدن از دستورات خداوند و افتادن در وادی گناه نیز امری است که آثار آن جهانی دارد و عذاب الهی را در پی خواهد داشت. اساسی‌ترین خصوصیات این نوع کرامت بر می‌گردد به این که کیفیت و چه‌گونه‌گی آن در افراد بشر مختلف بوده و اندازه آن کرامت به اندازه معرفت، زهد و تقوای هر فرد نزد الله متعال بسته‌گی دارد. در نتیجه باید گفت که دسته‌بندی کرامت انسانی به کرامت ذاتی این جهانی و کرامت اکتسابی آن جهانی، نخست همان تعریف کرامت ذاتی و اکتسابی با ابعاد دیگر است، که صرف به‌خاطر روشن شدن ابعاد و جوانب کرامت انسانی جهت ارائه تعریف این مفهوم می‌باشد؛ اما در مورد این که آیا کرامت انسانی قابل سلب است یا خیر، باید گفت که دیدگاه‌های ذیل قابل طرح است:

برخی علما بر این باور اند که کرامت انسانی سلب‌شدنی است<sup>۵</sup> (حقیقت، ۱۳۹۲: ۹-۳۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۳۰۰)، و ارتکاب و گناه موجب پست‌تر شدن انسان از هر چیز است؛ یعنی مادامی که خود انسان آن کرامت و حیثیت [کرامت ذاتی] را به جهت جنایت و خیانت بر خویشتن یا بر دیگران از خود سلب نکند، دیگران مکلف به مراعات این حق هستند (جعفری تبریزی، ۱۳۹۰: ۲۲۵)؛ لذا به باور این علما، اگر انسان با اختیار خود به خیانت و جنایت دست یازد، کرامت ذاتی او زایل می‌گردد؛ هم‌چنان طرف‌داران این نظریه استدلال می‌کنند که کرامت انسانی یک امر تکوینی و طبیعی یا جبری نیست؛ بل که انسان خود آن را تحصیل می‌کند و یکی از ملاک‌های آن تن‌دادن به نظام اسلامی است و فقط کسانی که نظام اسلامی را می‌پذیرند دارای حقوق اجتماعی یک‌سان می‌شوند و شرط دیگر برخوردار بودن از چنین کرامتی انسان بودن است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۳۰۰). اشکالی که

<sup>۴</sup>. سورة حجرات، آیه ۱۳.

<sup>۵</sup>. طوری که برخی‌ها تصریح می‌کنند، ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی نیز کرامت انسانی را سلب‌شدنی دانسته‌اند (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۰۲-۱۰۳).

می‌توان بر این دیدگاه وارد کرد این است که به لحاظ منطقی، ذات شیء نه قابل وضع است و نه قابل سلب. بر فرض اگر کرامت انسانی را نعمت و فضیلت بدانیم و نه حق، بازهم امکان زدودن آن تابع برخی شرایط خواهد بود؛ لذا کرامت انسانی یک حق ذاتی سلب‌نشده برای نوع انسان است.

عده‌ی نیز بر این باورند که در ذاتی بودن کرامت انسان، اگر از بستر تعالیم و آموزه‌ها<sup>۶</sup> به‌ویژه دینی که اثرپذیری آن از شرایط تاریخی و محیط اجتماعی کم‌تر است، دیده شود، به‌نظر می‌رسد این‌گونه نیست که خداوند انسان را آفریده و سپس به او کرامت بخشیده است؛ بل که بحث این است که خداوند از ابتدا موجودی ارج‌مند و باکرامت آفریده است و سلب این کرامت به‌هرصورت، موجودیت او را تغییر می‌دهد (نوبهار، ۱۳۸۴: ۶۲۰)؛ چرا که کرامت انسانی از مقوله وجود، امری واقعی و تکوینی است، نه اعتباری و ماهوی؛ بل که واقعی است همانند کریم‌بودن فرشته‌گان و قرآن و تمام این‌ها مظاهر کرامت خداوند می‌باشند (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۶۱-۲). براین‌اساس، هرگونه گناه، جرم و جنایت، تفکر و عقیده و غیره، نه امکان دارد و نه جوازی است برای دیگران تا کرامت افرادی را نادیده انگارند؛ حتی اگر مجرمی که محکوم به مجازات تا سرحد مرگ شده باشد باید او را مجازات کرد؛ اما نمی‌توان کرامت انسانی او را نادیده گرفت.

برخی‌ها معتقدند که اگر کرامت به‌واسطه جرم و جنایت سلب شود، کرامت اکتسابی است، نه کرامت ذاتی (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۹)؛ درحالی‌که راجع به سلب کرامت اکتسابی و تقابل یا توافق میان کرامت ذاتی و اکتسابی نظریه انسان‌گرایانه<sup>۷</sup> و افزوده<sup>۸</sup> مطرح می‌باشد، که طبق این دو نظریه کرامت اکتسابی در هیچ صورت قابل سلب توسط یا در نتیجه گناه و جرم نیست؛ چرا که از یک‌طرف، درست است که کسب کرامت اکتسابی در این جهان می‌شود؛ اما ظهور آن جهانی دارد و این برتری پس از مرگ انسان عیان می‌شود؛ زیرا جز خداوند متعال، هیچ‌کس نمی‌تواند این کرامت را به درستی تشخیص دهد یا بسنجد؛ به دیگر سخن، سلب کرامت اکتسابی در این جهان ممکن نیست؛ یعنی کسب این جهانی به معنی سلب این جهانی نیست؛ چون تشخیص و سنجش نزد خداوند متعال است و بایستی در آن جهان ظهور کند؛ هم‌چنان، از نظر ارزشی نیز می‌توان اشاره کرد که با توجه به صراحت آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات، کرامت اکتسابی در نزد خداوند از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار است؛ زیرا هدف از آفرینش انسان تنها زنده‌گی چندروزه در دار فنا و زوال‌پذیری دنیای نیست و حیات جاودانی انسان مربوط به دنیای آخرت است. پس کرامتی که سعادت ابدی را به ارمغان می‌آورد و برای هر دو جهان عزت و سربلندی می‌آورد و انسان را به خالق خود نزدیک می‌کند، ارزش و اعتبار بیش‌تری خواهد داشت؛ از طرف دیگر، در نظریه افزوده نیز آمده است که:

6. Humanistic Theory.

7. Additional Theory.



«میان کرامت ذاتی و اکتسابی تقابلی نیست؛ یعنی اگر کسی با اعمال شایسته خود کرامت خود را بالا برد از مزیت‌هایی برخوردار خواهد شد؛ اما اگر گرفتار امیال نفسانی شد و خوی حیوانی بر آن غلبه کرد، ما نباید حقوق انسانی را از آن سلب کنیم» (ایازی، ۱۳۷۹: ۲۱).

نگارنده بر این باور است که کرامت انسانی در کل بنا بر این دلایل قابل سلب نیست: نخست، کرامت ذاتی در حوزه اجتماعی و دنیای (رابطه انسان با جامعه) و در حوزه فردی و اخروی (رابطه انسان با خدا)، مطرح است؛ بنابراین، نباید ارزش‌های عبادی و عقیدتی افراد را در حوزه جامعه و حکومت تسری داد (میراحمدی و کمالی‌گوکی، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۷)، و هیچ گناه و جنایت ... نه حیثیتی را از انسان می‌گیرد و نه به دیگران اجازه می‌دهد حیثیت انسان را نادیده بگیرند؛ دوم، ابن‌عربی در توضیح رفتار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم که به احترام جنازه یک یهودی قیام فرمود، با استدلال به این فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم که او یک صاحب نفس بوده است (ابی‌عبدالله، ۱۴۲۰: ۲۸)، بنابراین، شرف نفس انسان به خاطر روح دمیده‌شده خداوند در اوست و صاحب نفس ناطقه، حتا اگر با ورود به آتش جهنم به شقاوت افتد، در شرف نفس او تأثیری ندارد و قیام رسول اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم به احترام عین ذات صاحب آن جنازه بوده، که دارای نفخه الهی بوده است و این امر بر تساوی اصل تمام نفوس دلالت دارد (ابن‌عربی، ۱۴۰۱: ۲۸). باتوجه به این اصل اگر آن کس که نفس خود را از نفس فرعون برتر بداند، نفهمیده است (بن هوزان القشیری، ۱۳۷۴: ۷۰). سوم، تأسیس حقوقی توبه به‌عنوان یک اصل مهم در اسلام، امکان بازگشت به افراد را می‌دهد؛ یعنی هرچند که بشر دچار گناه شده باشد؛ ولی در رحمت خداوند همیشه بر روی آن‌ها باز است. این امر نشان می‌دهد که گوهر کرامت انسانی آن‌ها محفوظ است و می‌تواند دوباره به جای‌گاه والای انسانی بازگردند (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

### ۳. کرامت انسانی به‌عنوان مبنای حق دفاعی فردِ مظنون

مراد ما از کرامت انسانی در این تحقیق، کرامت ذاتی است، که در قلمرو حقوق کیفری دارای آثار و نتایج متعددی است، که در ذیل نخست، مفاهیم مبنا، مظنون و حقوق دفاعی را تعریف و سپس حقوق ناشی از کرامت انسانی را در حقوق جزای افغانستان و ایران مورد مذاقه قرار می‌دهیم:

#### ۳-۱. مظنون و حق دفاع مظنون

مبنا عبارت از مجموع نظریاتی هستند که قواعد و مقررات حقوقی مشروعیت خود را از آن کسب می‌نمایند. مظنون شخصی است که به اساس سوءظن به نسبت ارتکاب جرم تحت اشتباه قرار گرفته یا این که قبل از نسبت‌دادن اتهام به وی در مورد او تدابیر احتیاطی اتخاذ شده باشد.<sup>۸</sup> و متهم شخصی

<sup>۸</sup> بند ۱ ماده چهارم قانون اجراءات جزایی، مصوب سال ۱۳۹۲، جریده رسمی، شماره ۱۱۳۲.

است که بنابر ارزیابی دلایل اثبات جمع‌آوری شده هنگام تحقیق، به حیث مرتکب جرم تشخیص و اتهام بر وی وارد گردیده باشد؛<sup>۹</sup> درحالی‌که چنین تفکیکی در حقوق ایران صورت نگرفته و فرد مظنون یا فرد تحت‌نظر را تحت عنوان «متهم» یاد کرده است؛<sup>۱۰</sup> درحالی‌که فرد مظنون و متهم از لحاظ تعریف، مکان نگره‌داری، مدت نگره‌داری و مراجعی که آن‌ها را در اختیار دارند، کاملاً از هم‌دیگر متفاوت بوده و رعایت کردن چنین تفکیک و تأسیسات حقوقی، همان‌طوری‌که در اسناد بین‌المللی، به‌خصوص اساس‌نامه دادگاه یوگسلاوی سابق و دیوان بین‌المللی کیفری مورد توجه قرار گرفته است (کیتی شبایزیری، ۱۳۹۳: ۴۹۱)، ضروری می‌باشد. درنهایت، حقوق دفاعی عبارت از مجموعه امتیازات و امکاناتی است که فرد مظنون یا متهم باید دادرسی عادلانه داشته باشد، تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت علیه او مطرح شده در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند.

### ۳-۲. حقوق ناشی از کرامت انسانی

کرامت انسان به‌عنوان مبنای حقوق بشری، قدامتی به اندازه تاریخ اجتماعی انسان و تفکر بشری دارد (راب، ۱۳۵۰: ۸۷؛ سلیمانی، ۱۳۸۴: ۱۳۰ و مطهری، ۱۳۵۸: ۲۴۵)؛ طوری‌که در دین اسلام بیش از سایر ادیان به بلندقراردادن شأن انسان و موقعیت او و پاس‌داری از حقوق و کرامت وی تأکید شده است.<sup>۱۱</sup> همین‌طور، در قانون اساسی و قوانین عادی افغانستان و ایران نیز بر حفظ و شأن اجتماعی افراد تأکید شده است؛ به‌عنوان مثال ماده ۲۴ قانون اساسی افغانستان تصریح می‌دارد: «آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسانی مکلف می‌باشد»؛ همین‌طور با پیروی از اصل مزبور، بند ۶ ماده ۲، بند ۱ ماده ۶، بند ۳ ماده ۱۲۲ و بند ۲ ماده ۳۰۲ قانون اجراءات جزایی و بند ۱ ماده ۳ قانون محاسب و توقیف‌خانه‌ها نیز به‌نوبه خویش از اصل کرامت انسانی و حق برخورداری از شرایط انسانی حمایت و پاس‌داری نموده است؛ همین‌گونه، درحقوق ایران نیز در مقدمه و اصول ۲، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی، و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور با اشاره به کرامت انسانی و حفظ حیثیت و کرامت افراد مظنون و متهم در مقام بیان به اهمیت بیش از حد این اصل پرداخته و مقرر می‌دارد که اصل بر این است که هرگونه اقدام محدودکننده، سلب‌کننده آزادی و ورود به حریم خصوصی افراد جز توسط حکم قانون و با رعایت مقررات و با نظارت مقام قضایی جایز نیست. اقدامات به‌گونه‌یی اعمال نشود که به حیثیت افراد لطمه بزند.

<sup>۹</sup> بند ۱۳ ماده چهارم قانون اجراءات جزایی.

<sup>۱۰</sup> قسمت دوم ماده ۱۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، مصوب سال ۱۳۹۲، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، سال هفتم، شماره ۲۰۱۳۵.

<sup>۱۱</sup> نک: آیه ۳۰ سوره بقره، آیه ۷۰ سوره اسراء، آیات ۱۳، ۳۰ و ۳۱ سوره حجرات، آیات ۷۱ و ۷۲ سوره ص، آیه ۱۳ سوره مؤمنون و آیه ۷۲ سوره احزاب.

اما قبل از پرداختن به آثار و الزامات کرامت انسانی، باید گفت که منظور حقوق ناشی از کرامت ذاتی است نه اکتسابی؛ زیرا کرامت اکتسابی امر درونی و اخروی است و لذا مداخله دولت در امور دینی و معنوی ضد کرامت است؛ اما چون کرامت ذاتی برای همه انسان‌ها مساوی است، نمی‌تواند منشای نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی باشد؛ از این رو، مبنای قوانین و قواعد حقوقی است. حال در صورتی که انسان گرفتار امیال نفسانی گردد و خوی حیوانی بر وی غلبه نمایند، حقوق انسانی و دفاعی وی قابل سلب اند یا خیر؟ در پاسخ می‌توان گفت که درست است فرد مزبور مظنون و متهم تلقی می‌شود و این بدان معنا نیست که انسانیت وی زیر سوال برود؛ چرا که مظنون و متهم نیز انسان بوده و همه انسان‌ها دارای کرامت، ارزش، حیثیت و اعتبار می‌باشند و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند آن را از انسان‌ها سلب یا محدود نماید؛ حتا اگر انسان‌ها در جای مظنون یا متهم قرار گیرند، باز هم کرامت انسانی وی سلب نمی‌گردد (رضایی، ۱۳۹۷: ۷۴)؛ از این رو، اصل قانون‌مداری، مظهر کرامت انسانی در جامعه مدرن تلقی شده و در صورتی که نظام حقوقی کشورها در قلمرو حقوق کیفری، اصل مذکور را مراعات نکرده باشند، نمی‌توانند مدعی رعایت کرامت انسانی باشند (حبیب‌زاده و توحیدی فرد، ۱۳۸۶: ۳۶). گفتنی است که تبیین و شناسایی کرامت انسانی و اعلام مصادیق آن توسط یک دولت به تنهایی برای حمایت از آن کافی نیست؛ بل که به‌خاطر حمایت از آن علاوه بر شناسایی، اقدام به جرم‌انگاری رفتار ناقض آن نیز بکند. حال اگر به‌حمایت و پاس‌داری از این مهم در اسناد بین‌المللی، منطقه‌یی<sup>۱۲</sup> و قوانین داخلی ایران و افغانستان نگاه شود، هر کدام به‌نوبه خویش برخی حقوق و آزادی‌های فردی را با تکیه و مبتنی بر کرامت انسانی تأمین و بنا نهاده‌اند. اساسی‌ترین آن‌ها عبارتند از: حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه، حق منع شکنجه در هنگام بازجویی پولیسی، حق مصونیت حریم خصوصی، حق جبران خسارت، حق معیاری بودن نظارت‌خانه و حق منع آزمایش‌های طبی و علمی بر روی انسان بدون رضایت وی، حق منع برده‌گی و رفتارهای غیر انسانی و تحقیرآمیز. باتوجه به ظرفیت تحقیق، در این جا صرف به بررسی حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه و حق ممنوعیت شکنجه در بازجویی‌های پولیسی در این تحقیق پرداخته می‌شود.

یکی از آثار و مقتضیات کرامت ذاتی انسان حق بهره‌مندی شهروندان از دادرسی عادلانه است؛<sup>۱۳</sup> چرا که از یک سو، عدالت مبنای آیین دادرسی کیفری است و از سوی دیگر، حق دادرسی عادلانه، یکی از حقوق بنیادین بشر است، که در بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشری<sup>۱۴</sup>، قوانین

<sup>۱۲</sup>. جهت کسب اطلاعات بیشتر، نک: رضایی، ذاکر حسین، (۱۳۹۷). حقوق فرد تحت نظر در دادرسی کیفری ایران و افغانستان؛ مبانی، چالش‌ها و راه‌کارها. رساله دکتری، دانش‌گاه تهران، صص ۷۵ الی ۷۹.

<sup>۱۳</sup>. منظور از دادرسی عادلانه یا منصفانه، رعایت کلیه معیارها و استانداردهای جهانی حقوق بشر در طول فرایند دادرسی کیفری می‌باشد.

<sup>۱۴</sup>. جهت کسب اطلاعات بیشتر، نک: رضایی، ذاکر حسین، همان، صص ۷۴ الی ۷۵.

ایران و افغانستان و آرای کمیته بین‌المللی حقوق بشر<sup>۱۵</sup> پیش‌بینی شده است. برخی دولت‌ها سیستمی را عادلانه می‌دانند که تا حد امکان حقوق و آزادی‌های تعداد بسیار کم‌تری بی‌گناه، تحدید و سلب شده باشند یا مجازات ناعادلانه دیده باشند؛ اما برخی کشورها نظامی را عادلانه می‌دانند که قواعد اعمال شده در آن به قدری شدید باشند، که حتی تعداد بسیار کمی گناه‌کار به‌طور ناعادلانه‌یی بدون مجازات باقی بماند؛ بنابراین، سیستم دومی نزدیک‌تر با معیارها و استانداردهای حقوق بشری اند و طرف‌داران خاص خود را دارند (Jeff Tahler, 1978: 441-484)؛ اما دادرسی عادلانه از نظر قلم‌رو مفهومی و زمانی کلیه مراحل دادرسی کیفری از مرحله تحت‌نظر الی اجرای حکم را در بر می‌گیرد؛ طوری که این حق در ماده‌های ۸، ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده‌های ۹ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، شناسایی شده است؛ همین‌طور از این حق در قانون اساسی افغانستان و ایران حمایت شده است.<sup>۱۶</sup> در نهایت ماده ۷ قانون اجرائی جزایی افغانستان و فصل یکم قانون آیین دادرسی کیفری ایران به تفصیل مصادیق این حق را تبیین کرده است.

یکی دیگر از حقوق ناشی از کرامت انسانی، حق ممنوعیت شکنجه است. اصل ۳۸ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.<sup>۱۷</sup> اصل مذکور از منع شکنجه جهت اخذ اعتراف فرد مظنون که معمولاً نزد مقام غیرقضائی یا مأموران پلیس مطرح می‌شود، بحث نکرده است؛ این درحالی‌است که هرچند از لحاظ نظری مواد ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی افغانستان، به‌صراحت شکنجه و تعذیب انسان را به‌هر مقصدی و هر مرحله‌یی از مراحل دادرسی که باشند، ممنوع تلقی کرده و متخلف را طبق مواد ۲۷۵ و ۲۷۸ کُد جزا محکوم به مجازات کرده است؛ اما در عمل مأموران پولیس، تحت‌نظرگاه (نظارخانه) را تبدیل به نهادی نموده اند که سومین رقم بزرگ از قربانیان مورد شکنجه را در آن محل جا داده است (آدمز، ۱۳۸۸).

#### ۴. مناقشه

کرامت انسانی علی‌رغم اهمیت بسیار والایی که دارد، ازجمله مفاهیم روشن به‌نظر می‌رسد؛ اما درواقع چنین نبوده و طرح یک تعریف دقیق و علمی از این مفهوم در عمل دشوار است؛ طوری‌که

<sup>15</sup>. See: General Comment No.32, Human Rights Committee, United Nation, Ninetieth Session, Geneva, 9 to 27 July 2007 and General Comment No.35, Human Rights Committee, United Nation, 16 December 2014.

<sup>16</sup>. نک: مواد ۲۲، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۵۱ و ۵۸ قانون اساسی افغانستان و اصول ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران.

<sup>17</sup>. ماده ۵۸۷ قانون مجازات سال ۱۲۷۵ به‌عنوان ضمانت اجرای اصل ۳۸ مجازاتی مشخص را برای متخلف پیش‌بینی کرده است.

تاکنون در هیچ یک از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها، تعریف نشده است. برخی دانش‌مندان بدون توجه به دسته‌بندی، کرامت انسانی را تعریف کرده اند؛ درحالی که موجه این است که نخست کرامت انسانی دسته‌بندی و سپس اقدام به تعریف آن‌ها شود؛ چرا که دسته‌بندی‌ها ما را به تعریف دقیق از چیستی و ماهیت کرامت انسانی کمک می‌کند.

هرچند علما و اندیش‌مندان کرامت انسانی را تحت عناوین کرامت ذاتی، اکتسابی، کرامت ذاتی این‌جهانی و کرامت اکتسابی آن‌جهانی، یاد کرده اند؛ اما معمول‌ترین دسته‌بندی کرامت انسانی، کرامت ذاتی و اکتسابی است؛ چرا که دلیل عمده این دسته‌بندی‌ها تبیین درست از چیستی مفهوم و ماهیت کرامت انسانی بوده و هیچ‌گونه تفاوتی ماهوی در آن دو دسته‌بندی مشاهده نمی‌گردد.

همین‌طور، در خصوص تکوینی و قراردادی بودن کرامت انسانی بین دانش‌مندان اختلاف نظر وجود دارد، طوری که برخی‌ها کرامت انسانی را به هیچ وجه سلب‌شدنی نمی‌دانند؛ اما عده‌ی دیگر از دانش‌مندان کرامت انسانی را سلب‌شدنی می‌دانند؛ درحالی که نگارنده بر این باور است، که کرامت انسانی یک حق ذاتی و سلب‌نشده برای نوع انسان است؛ چرا که به لحاظ منطقی، ذات شیء نه قابل وضع است و نه قابل سلب؛ به عبارت دیگر، کرامت انسانی، حقوقی و قراردادی نیست؛ چرا که کرامت انسانی چیزی نیست که گرفته شود یا به او داده شود یا آن را کسب کند. همین‌طور اگر کرامت انسانی را حق ندانیم و آن را فضیلت و نعمت بدانیم، بازهم امکان زدودن آن تابع برخی شرایط خواهد بود.

## ۵. نتیجه‌گیری

حقوق ایران بین تأسیسات حقوقی نظیر مظنون، فرد تحت‌نظر و متهم تفکیک قائل نشده است. هرچند حقوق افغانستان تأسیسات حقوقی مزبور را از هم‌دیگر تفکیک نموده است؛ اما در تعریف واژه مظنون دقت لازم صورت نگرفته است؛ لذا در صورت تعریف دقیق از فرد مظنون باید گفت که مظنون به فردی گفته می‌شود که براساس سوء ظن به نسبت ارتکاب جرم و قبل از آن که رسماً به وی اتهام وارد دانسته شود، در مورد او تدابیر غیربازداشتی اتخاذ یا برای مدت معین و ضروری آزادی وی سلب می‌گردد.

راجع به مبنای بودن کرامت انسانی حقوق فرد تحت‌نظر باید گفت که مدنظر کرامت ذاتی است؛ چرا که کرامت اکتسابی امری درونی و اخروی است؛ اما کرامت ذاتی چون برای تمام انسان‌ها برابر است، نمی‌تواند منشاء نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی باشد؛ چرا که کرامت انسانی دارای آثار و مقتضیات متعددی در حقوق شکلی می‌باشد؛ اما یکی از آن‌ها حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه است و منظور از دادرسی عادلانه یا منصفانه، رعایت کلیه معیارها و استانداردهای جهانی حقوق بشر در طول

فرایند دادرسی کیفری می‌باشد. و مهم‌ترین معیارهای دادرسی عادلانه ممنوعیت شکنجه، برده‌گی، رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز، آزمایش‌های پزشکی و علمی بر روی انسان بدون رضایت کامل وی می‌شود.

از آن جایی که یکی از مراحل دادرسی جزایی، مرحله تحت‌نظر بوده و اساسی‌ترین آثار و حقوق ناشی از کرامت انسانی در این مرحله، ممنوعیت شکنجه، منع آزار و اذیت خودسرانه به منظور اخذ اعتراف نزد پولیس، مصونیت حریم خصوصی فرد مظنون، جبران خسارت ناشی از دست‌گیری‌های خودسرانه و غیرقانونی، می‌باشند؛ اما درخصوص بررسی حقوق ناشی از کرامت انسانی برای فرد مظنون در نظام حقوقی افغانستان و ایران باید گفت که حقوق ایران و افغانستان اصل را بر کرامت انسانی نهاده و حقوق ناشی از آن را تا حدودی در قانون آیین دادرسی کیفری خود رعایت نموده و به‌عنوان ضمانت اجرا مقرر نموده اند، که درصورت نقض حقوق مذکور، ناقضان آن مسؤولیت مدنی و کیفری دارند.

## ORCID

Zaker Hussain Rezaiee  <https://orcid.org/0009-0005-7522-0651>

## سرچشمه‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. آدمز، برد. (۲۱/۱۲/۱۳۸۸). «گزارش سالانه وضع حقوق بشر در افغانستان». برداشت: جمعه ۲۱ حوت سال ۱۳۸۸ خورشیدی برابر با ۱۲ مارچ سال ۲۰۱۰ میلادی. <[www.nawaaya.net/](http://www.nawaaya.net/)> [www.humanrightsfirst.inf](http://www.humanrightsfirst.inf)
۳. آبازی، سیدعلی نقی. (۱۳۷۹). **نسبت دین و جامعه**. چ سوم. تهران: انتشارات مؤسسه نشر و تحقیقات.
۴. آقایی، بهمن. (۱۳۷۶). **فرهنگ حقوق بشر**. تهران: گنج دانش.
۵. جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱۳۹۰). **حقوق جهانی بشر؛ تحقیق و تطبیق در دو نظام اسلام و غرب**. چ پنجم. تهران: انتشارات مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۶. جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱۳۷۰). **حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب**. تهران: انتشارات خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). **فلسفه حقوق بشر**. قم: اسراء.
۸. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ توحیدی‌فرد، محمد. (۱۳۸۶). **قانون‌مداری در قلمرو حقوق کیفری**. تهران: دادگستر.

۹. خالقی، ابوالفتح؛ رشنوادی، حجت‌الله. (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی حفظ کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بشر دوستانه اسلامی و اسناد بین المللی». ایران: مجله مطالعات حقوق بشر اسلامی. (سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۲). صص ۷۱ تا ۹۸. <<https://www.magiran.com/paper/1138302>>.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. ج ۱۱. تهران: انتشارات دانش گاه تهران.
۱۱. راب. ا. کهن. (۱۳۵۰). گنجینه‌یی از تلمود. ترجمه امیرفریدون گرگانی. تهران: انتشارات زیبا.
۱۲. رحیمی‌نژاد، اسماعیل. (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری. تهران: میزان.
۱۳. رضایی، ذاکر حسین. (۱۳۹۷). حقوق افراد تحت‌نظر در دادرسی کیفری ایران و افغانستان؛ مبانی، چالش‌ها و راه‌کارها. رساله‌یی جهت اخذ درجه دکتری. به رهنمایی: محمد جواد فتحی و مهدی شیدائیان. دانش‌کده حقوق، دانش‌گاه تهران.
۱۴. سلیمانی، حسین. (۱۳۸۴). عدالت کیفری در آیین یهود. مجموعه مقالات. چ دوم. قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۵. علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). کرامت انسانی و خشونت در اسلام. ایران: پژوهش‌نامه علوم سیاسی. ۱(۳). صص: ۹۹-۱۲۱. <[http://www.ipsajournal.ir/article\\_54.html](http://www.ipsajournal.ir/article_54.html)>.
۱۶. قربانی، علی؛ موحدی، جعفر. (۱۳۹۰). «اصل برائت در اندیشه فقهی و فرض بی‌گناهی در اندیشه اروپایی». ایران: فصل‌نامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی. ۸(۲۶). صص: ۱۲۷-۱۵۲. <[https://journals.iau.ir/article\\_529990.html](https://journals.iau.ir/article_529990.html)>.
۱۷. کیتی شبایزری، کریانگ ساک. (۱۳۹۳). حقوق بین‌المللی کیفری. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی. چ چهارم. تهران: انتشارات سمت.
۱۸. گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. (۱۳۸۶). «علل شکنجه در نهادهای مجری قانون». کابل: انتشارات کمیسیون مستقل حقوق بشر.
۱۹. محمدپور دهکردی، سیما. (۱۳۹۱). کرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا و کانت (مبانی معرفت‌شناختی و وجودشناختی). قم: بوستان کتاب.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۰). نظریه حقوقی اسلام. قم: انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی.
۲۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). مقدمه‌یی بر جهان‌بینی اسلامی. قم: انتشارات قم.

۲۲. میراحمدی، منصور؛ کمالی گوکی، محمد. (۱۳۹۳). «تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه شیعه (مطالعه موردی: اندیشه امام خمینی)» ایران: فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی. ۳(۲). صص: ۲۷-۵۰.
- <<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1027819>>
۲۳. نجمی، محمدصادق. (۱۳۹۳). سخنان حسین بن علی<sup>(ع)</sup> از مدینه تا کربلا. چ هجدهم. تهران: بوستان قم.
۲۴. نوبهار، رحیم. (۱۳۸۴). دین و کرامت انسانی در مبانی نظری حقوق بشر. قم: دانش‌گاه مفید.
۲۵. هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. چ ششم. تهران: میزان.
۲۶. قانون اساسی افغانستان. مصوب سال ۱۳۸۲.
۲۷. قانون اساسی ایران. مصوب سال ۱۳۵۸.
۲۸. قانون آیین دادرسی کیفری ایران. مصوب سال ۱۳۹۲.
۲۹. قانون اجراءات جزایی افغانستان. مصوب سال ۱۳۹۲.
۳۰. قانون مجازات اسلامی ایران. مصوب سال ۱۳۹۲.
۳۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر. مصوب سال ۱۹۴۸.
۳۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. مصوب سال ۱۹۷۶.
۳۳. کنوانسیون حقوق کودک. مصوب سال ۱۹۹۰.
۳۴. کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده. مصوب سال ۱۹۸۷.
۳۵. اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری. مصوب سال ۱۹۹۸.
۳۶. اعلامیه حقوق بشر اسلامی. مصوب سال ۱۳۶۹.
۳۷. ابن‌المری، احمد بن محمد القیومی. (۱۴۰۵). المصباح المنیر. قم: انتشارات دار الهجره.
۳۸. ابن‌منظور، محمدبن مكرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. ج ۱۲. بیروت: دار صادر.
۳۹. ابی‌عبدالله، محمدبن اسماعیل بن ابراهیم البخاری. (۱۴۲۰). صحیح. ج ۱. بیروت: دارالفکر.
۴۰. ابن‌عربی، محیی‌الدین. (بی‌تا). الفتوحات المیکه. ج ۱. بیروت: دارصادر.



۴۱. بن هوزان القشیری، عبدالکریم. (۱۳۷۴). **الرسالة القشيرية**. تحقیق: عبدالحلیم محمود و محمود بن الشریف. قم: انتشارات بیدار.
۴۲. الرشهری، محمد. (۱۴۲۱). **موسوعة الامام علی ابن ابی طالب**. قم: دارالحديث.
۴۳. مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. ج ۱۰. تهران: مرکز الكتاب لترجمه و النشر.

44. General Comment No.32. (2007). **Human Rights Committee**, United Nation, Ninetieth Session, Geneva. 9 to 2 july.
45. General Comment No.35. (2014). **Human Rights Committee**, United Nation. 16 December.
46. Jeff, Tahler. (1978). **Punishing the Innocent: The need for Due Process and the Presumption of Innocence Prior to Trial**. Wisconsin Law Review.
47. Short oxford English Dictionary. (2002). **fifth deitation**. London: oxford University press.
48. The Oxford Encyclopedic. (1996). **English Dictionary**. New York: oxford University.

## References

1. The Holy Quran.(Arabic)
2. Adams, Brad. (3/3/2010). "Annual report on the situation of human rights in Afghanistan". Collection: Friday 21st of Hoot 1388 equivalent to March 12th 2010. See: [www.nawaaya.net](http://www.nawaaya.net) / [www.humanrightsfirst.inf](http://www.humanrightsfirst.inf). (Persian)
3. Ayazi, Seyed Ali Naghi. (2000). The relationship between religion and society. Third edition.Tehran: Publishing House and Research. (Persian)
4. Aqayee. Bahman (1997). Culture of human rights. Tehran: Ganj Danesh. (Persian)
5. Jafari Tabrizi, Mohammad Taghi. (2011). universal human rights; Research and application in both Islamic and Western systems. Fifth edition. Tehran: Publications of Allamah Jafari Publishing House. (Persian)
6. Jafari Tabrizi, Mohammad Taghi. (1991). Universal human rights from the perspective of Islam and the West. Tehran: Publications of the International Law Service of the Islamic Republic of Iran. (Persian)
7. Javadi Amoli, Abdullah. (1996). Philosophy of human rights. Qom: Isra. (Persian)
8. Habibzadeh, Mohammad Jaafar; Tawhidifard, Mohammad. (2007). Rule of law in the field of criminal law. Tehran: Dadgoostar. (Persian)
9. Khaleghi, Abolfath; Rashnavadi, Hojatullah. (2012). "A comparative study of preserving human dignity in armed conflicts from the perspective of Islamic humanitarian law and international documents". Iran: Journal of Islamic Human Rights Studies. (2nd year, 3rd issue, Spring 2012). pp. 71 to 98. (Persian)
10. Dehkoda, Ali Akbar. (1994). dictionary. Volume 3. Tehran: Tehran University Press. (Persian)

11. Rob A. Kahn (1971). A treasure of the Talmud. Translated by Amir Faridun Gorgani. Tehran: Zeba Publications. (Persian)
12. Rahiminejad, Ismail. (2008). Human dignity in criminal law. Tehran: Mizan. (Persian)
13. Rezaiee, Zaker Hussein. (2017). The Right's of Suspect in Criminal Trial of Iran and Afghanistan; Basis, Problems and Solutions. A Thesis for Achieving a PH.D. Degree in Criminal Law and Criminology, under supervisor of Mohamma Javad Fathi and Mehdi Sheidaieian, Faculty of Law, Tehran University. (Persian)
14. Soleimani, Hussain. (2005). Criminal justice in Judaism. Collection of Articles. Volume 2. Qom: Publications of the Center for Studies and Research of Religions and faith.
15. Alikhani, Ali Akbar. (1385). Human dignity and violence in Islam. Iran: Journal of Political Sciences. Volume 1 (No. 3). pp. 121-99. (Persian)
16. Ghorbani, Ali; Mowahadi, Jafar. (2011). "Principle of innocence in jurisprudence and presumption of innocence in European thought". Iran: Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies. Volume 8 (No. 26). Pp.127-152. (Persian)
17. Katie Schiazeri, Kriang Sak. (2013). International criminal law. Translated by Behnam Yousufian and Mohammad Esmaili. Fourth edition. Tehran: Samt Publications. (Persian)
18. Report of Afghanistan Independent Human Rights Commission. (2007). "Causes of torture in law enforcement institutions". Kabul: Publications of the Independent Human Rights Commission. (Persian)
19. Mohammadpour Dehkordi, Sima. (2011). Human dignity according to Mulla Sadra and Kant (epistemological and ontological foundations). Qom: Bostan Kitab. (Persian)
20. Misbah Yazdi, Mohammad Taghi. (2001). Islamic legal theory. Qom: Publications of Imam Khomeini Education and Research Foundation. (Persian)
21. Motahari, Morteza. (1979). An introduction to Islamic worldview. Qom: Qom Publications. (Persian)
22. Mirahmadi, Mansour; Kamali Goki, Mohammad. (2013). "Analysis of the concept of human dignity in Shia thought (Case study: Imam Khomeini's thought)" Iran: Scientific-Research Quarterly of the Research Journal of the Islamic Revolution. Third year period (number 2). Pp. 27-50. (Persian)
23. Najmi, Mohammad Sadiq. (2013). Speech of Hussain son of Ali from Madinah to Karbala. 18th edition. Tehran: Bostan Qom. (Persian)
24. Nobahar, Rahim. (2005). Religion and human dignity in the theoretical foundations of human rights. Qom: Mufid University. (Persian)
25. Hashemi, Seyed Mohammad. (2005). Fundamental rights of the Islamic Republic of Iran. 6<sup>th</sup> edition. Tehran: Mizan. (Persian)
27. Afghan constitution. Approved in 2003. (Persian)
28. Iran constitution. Approved in 1979. (Persian)
29. Iran's Criminal Procedure Law. Approved in 2012. (Persian)
30. Criminal procedure law of Afghanistan. Approved in 2012. (Persian)
31. Iran's Islamic Penal Code. Approved in 2012.
32. The Universal Declaration of Human Rights. Approved in 1948.
33. International Covenant on Civil and Political Rights. Approved in 1976.
34. Convention on the Rights of the Child. Approved in 1990.

35. Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment. Approved in 1987.
36. Statute of the International Criminal Court. Approved in 1998.
37. Declaration of Islamic Human Rights. Approved in 1990. (Persian)
38. Ibn Al-Marri, Ahmed bin Muhammad Al-Qayumi. (1984). The bright lamp. Qom: Dar Al-Hijrah Publications. (Arabic)
39. Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram. (1993). Arabes Tong. Volume 12. Beirut: Dar Sader. (Arabic)
40. Abu Abdullah, Muhammad bin Ismail bin Ibrahim Al-Bukhari. (1999). Right. Volume 1. Beirut: Dar Al-Fikr. (Arabic)
41. Ibn Arabi, Muhyiddin. (beta). The Meccan conquests. Volume 1. Beirut: Dar Sader. (Arabic)
42. Bin Hozan Al-Qushayri, Abdul Karim. (1995). The crusty message. Investigation: Abdul Halim Mahmoud and Mahmoud bin Al-Sharif. Qom: Bidar Publications. (Arabic)
43. Rishahri, Muhammad. (2000). Encyclopedia of Imam Ali Ibn Abi Talib. Qom: Dar al-Hadith. (Arabic)
44. Mostafavi, Hassan. (1981). Investigation into the words of the Holy Quran. Volume 10. Tehran: Book Center for translation and publishing. (Arabic)